

ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی بین چند نسل

(مورد مطالعه: جامعه روستایی امام‌زاده عبدالله از توابع شهرستان هندیجان- استان خوزستان)

مهدی طالب^۱ و زهرا درویشی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱

چکیده:

نزاع دسته‌جمعی در جامعه از جمله مسائلی است که می‌تواند آرامش و امنیت و در نتیجه کیفیت زندگی مردم را به خطر اندازد. در پژوهش حاضر مسئله‌ی اصلی پژوهشگران مطالعه ریشه‌های نزاع‌های دسته‌جمعی بین چند نسل در روستای امام‌زاده عبدالله است که در محدوده سیاسی بخش مرکزی شهرستان هندیجان از توابع استان خوزستان قرار دارد. پژوهشگران در این پژوهش از روش کیفی برای دستیابی به اهداف اساسی پژوهش بهره برده‌اند. پژوهشگران به منظور گردآوری داده‌ها از تکنیک‌هایی همچون مصاحبه و مشاهده سود جسته‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با تکنیک تحلیل تماتیک صورت گرفته است. نگارندگان با دو گروه ۶ نفره و ۳ نفره مصاحبه کرده‌اند. همچنین با ۵ نفر به صورت فردی مصاحبه کیفی انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آنچه به عنوان عوامل اقتصادی بین سه نسل زمینه‌ساز نزاع شده، در نسل اول و دوم نزاع بر سر جای کاه خرمن، آب چاه، خوردن محصول توسط احشام و در نسل سوم نزاع بر سر چاه نفت، زمین کشاورزی و حقوق مالکیت بوده است. از جمله عوامل فرهنگی که در بین سه نسل زمینه‌ی نزاع را به وجود آورده است طایفه‌گرایی، تعصب طایفه‌ای و نادیده گرفتن عرف بوده است. منتهی در نسل سوم نزاع بر سر تعصب طایفه‌ای نسبت به نسل اول و دوم کمتر شده است. نتایج حاکی از آن است که نبود تعریف دقیق و روشن از حقوق مالکیت باعث شده است که بین نسل اول و سوم در بعد اقتصادی شاهد افزایش نزاع باشیم. همچنین متفاوت بودن ارزش‌های اجتماعی نسل اول و سوم در بعد فرهنگی باعث بروز اختلافات شده است. از جمله راهکار برای کاهش نزاع در روستا ایجاد مراکز مشاوره و افزایش آگاهی از آسیب‌های اجتماعی و حقوقی ناشی از وقوع آن است.

واژگان کلیدی: نزاع دسته‌جمعی، حقوق مالکیت، ریشه‌های نزاع بین سه نسل، روش کیفی، استان خوزستان، روستای امام‌زاده عبدالله.

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. taleb@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). zdarvishi@ut.ac.ir

مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

The Rooting of Mass Conflicts between Generations (Case Study: Rural Community of Imam Zadeh Abdullah (AS), Hendijan, Khuzestan State)

Mahdi Taleb¹ & Zahra Darvishi*²

Received: 2019-08-05

Accepted: 2020-04-20

Abstract

Collective disputes can jeopardize peace and security issues, as a result, the quality of life in society. In this study, the main problem of the generation researchers pace of changes in the roots of collective disputes in the village of Holy Abdullah (AS) in the political area Hendijan the central city of Khuzestan province. Researchers have used for data collection techniques such as interviews and observations. Data analysis was performed thematic analysis technique. First-person and third-person interviews with two authors also conducted qualitative interviews with five people on an individual basis. The results show that the roots of the conflict in the economic, cultural, have changed over time. The economic factors show the passage of time is what underlies the conflict. In the first and second generations of conflict over water wells. In the third generation of the Islamic Revolution and rural access to tap water, well water has decreased the importance of the struggle. Also in the first and second generation product over eating by cattle and the hay harvest Ambrosia conflict occurred, resulting in the selection of contractor for third-generation conflict over oil and land and property rights has been agriculture. Besides the dispute over the choice of contractor for oil well dispute over land can also be mentioned. Among second and third generation due to specific geographical aspects of the land dispute over property rights has increased. What cultural factors among three generations in the context of conflict have created Tavfheravv and tribal prejudice and ignorance is the norm. The dispute over tribal fanaticism led in the third generation of the first and second generation is less. Tavfheravv and intergroup marriage in the first and second generation of people has been one of the main causes of conflict and violence. Completely inter marriages between first generation and different tribes were not allowed to marry the person with the exception of your tribe. If someone had a desire to marry another clan with clan elders prevented by one. This inhibition leads to strife and sometimes hatred and turbidity was between individuals. By examining the rural youth are the third generation of a change in marriage, of their show. Third-generation set of social values have learned that varies with the values of their parents. Parents due to social and economic dependence on their children to change loop in the neck. Different values of the third generation of the large number of youth migration from villages. The results shows that ignoring convention is known as a common phenomenon among three generations. The third generation after the death of the young generation of elders and the lack of underlying dispute is the land of their fathers. The pace of changes in Tavfheravv talk show that prejudice and Tavfheravv was higher among first and second generation so that the elders did not accept the marriage with people of other tribes. By examining the third generation Tavfheravv and less bias but still people in time of trouble and strife, though they are right there to support and advocate their clan. According to a study that so far the pace of changes over time, there has been conflict.

Keywords: Collective Dispute, Property Rights, Qualitative Method, Khuzestan, Village of Imamzadeh Abdullah (AS).

1. Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. taleb@ut.ac.ir

2. M. A. of Rural Development, Development management, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. zdarvishi@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

انسان‌ها دارای خواست‌ها، علایق و هدف‌های متفاوتی هستند که از وسایل و راه‌های گوناگون برای رسیدن به آن‌ها بهره می‌گیرند. عدم توزیع مساوی فرصت‌ها بین افراد باعث می‌شود که افراد احساس عقب‌ماندگی کنند. این احساس عقب‌ماندگی که از مقایسه خود با دیگران به وجود می‌آید، در سطح فردی باعث پیدایش بغض، حسادت و دیگر واکنش‌های عاطفی علیه فرد یا گروه رقیب و در سطح اجتماعی باعث تشدید تضادهای بین گروهی می‌شود. این تضادهای بین گروهی اغلب اوقات خود را به صورت نزاع جمعی نشان می‌دهند (صدرائی‌نژاد و افشار، ۱۳۹۰).

نزاع دسته‌جمعی معمولاً در جوامعی که در آن‌ها ساخت و روابط سنتی و قبیله‌ای مبتنی بر زورمداری بوده و گرایش‌های سلطه‌جویانه و عصبیت وجود دارد بیشتر رخ می‌دهد. در این جوامع، به علت کم بودن جمعیت، افراد همدیگر را می‌شناسند و از کم‌وکاست زندگی یکدیگر مطلع هستند. راه‌های کسب قدرت و اقتدار متنوع نیستند و زورگویی و قلدرمآبی و دستیابی به اهداف از طریق قدرت بازوی فرزندان و اطرافیان یکی از بارزترین راه‌های به دست آوردن نفوذ اجتماعی است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۰۰-۴۸۹). وقوع تنش علاوه بر به هم زدن آرامش منطقه، رضایت از زندگی مردم و اختلال در زندگی آن‌ها پیامدهای ضد توسعه‌ای دارد. طبیعتاً در چنین وضعیتی همکاری و مشارکت و اعتماد بین طوایف مجال بروز پیدا نمی‌کند، درحالی‌که امروزه همکاری و مشارکت گروه‌های مختلف مردم در جامعه و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی از عوامل توسعه جامعه قلمداد می‌شود. می‌توان چنین بیان کرد که افزایش نزاع در یک جامعه مساوی است با کاهش اعتماد و همکاری بین اعضای آن جامعه، که نتیجه آن عدم مشارکت اعضای در توسعه جامعه خواهد بود. یکی از مناطقی که این‌گونه نزاع‌ها در آن مشهود بوده و یکی از مسائل اجتماعی محسوب می‌شود روستای «امام‌زاده عبدالله(ع)» در ۴۵ کیلومتری شهرستان هندیجان و مرز میان استان بوشهر و استان خوزستان است. برطبق مشاهدات نگارنده در این منطقه، نزاع از گذشته وجود داشته و هم‌اکنون نیز ادامه دارد. در روستا نزاع‌ها در فصل پاییز به دلیل زمان کاشت محصول بیشتر می‌شود. وجود طوایف مختلف در روستا و محدودیت منابع (ازجمله اراضی کشاورزی) و ادعای برخی افراد برای گرفتن اراضی کشاورزی باعث دامن‌دار شدن نزاع‌ها شده است. نزاع و درگیری به سایر بخش‌های زندگی مردم روستا سرایت کرده است، به طوری که باعث مختل شدن زندگی و اشتغال مردم روستا شده است. آمار دادگاه شهرستان هندیجان نشان می‌دهد بالغ بر ۱۵ پرونده قضایی ناشی از نزاع در روستای امام‌زاده عبدالله(ع) وجود دارد (دادگاه شهرستان هندیجان، ۱۳۹۵). علاوه بر آمار رسمی، با مشاهدات و تجربه زیسته و ارتباط نگارنده با مردم تعداد زیادی از این نزاع‌ها به صورت رسمی اعلام نشده‌اند. قطعاً وقوع نزاع در جامعه با خود پیامدهایی دارد که در وهله نخست باعث ضربه زدن به اهالی و در نتیجه عدم پیشرفت و توسعه یافتگی جامعه یا کندی آن

خواهد شد. لزوم توجه به این مسئله زمانی بیشتر می شود که وقوع نزاع باعث خسارات جانی و مالی و گسست اجتماعی شده است. در کنار این عوامل آنچه بیشتر با حضور در روستا به چشم می خورد و یکی از دغدغه های اصلی پژوهشگران بوده است عدم توسعه یافتگی روستا است. همچنین وقوع یک قتل میان طرفین درگیری در جریان نزاع های پیش آمده و عدم امنیت اجتماعی برای هر دو طرف نزاع و خانواده های آن ها، در کنار سایر عوامل مذکور پژوهشگران را بر آن داشته است که به بررسی این موضوع بپردازند. بر اساس آمار پزشکی قانونی در سال ۱۳۹۳ از تعداد افراد تشکیل دهنده پرونده با موضوع نزاع منجر به جرح، استان خوزستان با ۲۳۳۸۰ فقره نزاع در رده ۶ کشوری قرار دارد که برای حل این مسئله اجتماعی نیاز به مطالعه آن احساس می شود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴).

باتوجه به پیشرفت کشور و بالا رفتن سطح سواد و آگاهی افراد، افزایش رسانه های مختلف و امکان دستیابی سریع تر و راحت تر افراد به مراکز شهری و مراکز قضایی و انتظامی، افزایش درصد شاغلین نسبت به دهه های گذشته سؤال اساسی این است که آیا بین چند نسل در ریشه های نزاع دسته جمعی تغییری رخ داده است؟ چه عواملی در نسل های مختلف ریشه ساز نزاع شده است؟ آیا نزاع با عوامل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی رابطه دارد؟ تأثیر چه عواملی در دوره های مختلف در ریشه های نزاع بیشتر بوده است؟ بنابراین در این پژوهش بر آن هستیم تا پس از ارتباط با اجتماع مورد نظر، ریشه های نزاع دسته جمعی را در طول سه نسل بررسی کنیم.

پیشینه پژوهش

در این قسمت ابتدا مطالعات داخلی و خارجی مرور می شود، سپس به نظریه های مطرح شده در خصوص نزاع می پردازیم.

در ایران پژوهش های متعددی در مورد نزاع دسته جمعی انجام شده است. مرور محققان بر پژوهش های داخلی در زمینه نزاع نشان داد که بیشتر آن ها صرفاً با دید اقتصادی و کمی انجام گرفته اند. در برخی از این پژوهش ها آمده است که فقر و فقدان درآمد کافی، تغییرناپذیری کشت، مالکیت، معاملات، شغل، تحول در نظام بهره برداری، اختلافات ملکی و ارث و میراث، مسائل مالی و کمیابی منابع علل اصلی نزاع های دسته جمعی است (عشایری، ۱۳۹۲؛ شریعتی و مهاجری، ۱۳۹۱؛ میرفردی و صادق نیا، ۱۳۹۱؛ میرفردی، ۱۳۹۰؛ علیزاده و مهدوی نصر، ۱۳۹۰؛ جسور خواجه، ۱۳۸۸؛ پورافکاری، ۱۳۸۳). برخی پژوهش ها به بررسی و مطالعه عوامل جمعیت شناختی نظیر سن و جنس پرداخته اند (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضایی کلواری و بحرینی، ۱۳۸۸؛ حسین نژاد و عزیز، ۱۳۸۷). برخی دیگر از پژوهش ها عوامل فرهنگی نظیر بی سوادی، جامعه قبیله ای، خویشاوندگرایی، تعصبات ناموسی، احساس تعلق به یک گروه خاص و باورهای طایفه ای را علل اصلی و ریشه های نزاع دانسته اند (عشایری،

۱۳۹۲؛ حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۰؛ احسانی و حسینی‌پور، ۱۳۹۰؛ جسور خواجه، ۱۳۹۰؛ میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹؛ پورافکاری، ۱۳۸۳). اما برخی مطالعات که بیشتر به جنبه‌های اجتماعی مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی پرداخته‌اند عمدتاً با استفاده از روش‌های کمی انجام شده‌اند، درحالی‌که به‌زعم محققان کاوش در ساختار اجتماعی و باورهای فرهنگی اقوام و اجتماعات، مستلزم رویکردهای کیفی بوده است. به‌کارگیری روش کیفی در جامعه روستایی می‌تواند کشف بسیاری از موضوعات را موجب شود که درباره آن‌ها در منابع دیگر مطلبی نوشته نشده است. موضوعاتی که تنها با مطالعه کیفی، امکان شناخت و فهم دقیق آن‌ها در جامعه مورد نظر وجود دارد. برخی پژوهش‌های انجام‌گرفته متغیرهایی از جمله رقابت، بی‌هنجاری، عدم انسجام عام، اختلافات خانوادگی، احساس محرومیت نسبی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و ... را مطالعه کرده‌اند (کلواری و بحرینی، ۱۳۸۸؛ میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹؛ شریعتی و مهاجری، ۱۳۹۱).

مرور محققان بر مطالعات انجام‌شده در خارج از ایران نشان داد برخی از آن‌ها به بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی ریشه‌های نزاع دسته‌جمعی با رویکرد کیفی پرداخته‌اند. هرچند نتایج از مکانی به مکان دیگر متفاوت است. حقوق مالکیت نامطمئن، توزیع زمین‌های ناهموار میان دهقانان بی‌زمین، نبود قوانین و مقررات صحیح، کمبود زمین برای چراگاه و کشت و کمیابی آب علل اصلی درگیری‌هاست (پایم الویرا^۱، ۲۰۰۱ و امانوئل و نادیمبوا^۲؛ ۲۰۰۳). برخی دیگر، راهکارهای متفاوت امرارمعاش توسط مهاجرین و ساکنان محلی، نارسایی سازمانی و نظام‌های استفاده از زمین را علل اصلی درگیری‌ها دانسته‌اند (یاندا^۳؛ ۲۰۰۷). وجود فرقه‌گرایی و فرهنگ از دیگر عوامل ریشه‌ساز نزاع شمرده شده است (ساید^۴؛ ۲۰۱۴ و مایر و مارتینبونیس^۵؛ ۱۹۹۵). از آنجاکه هدف اصلی پژوهش حاضر کاوش و مطالعه عمیق گونه‌شناسی ریشه‌های نزاع دسته‌جمعی و پیامدها و آسیب‌های ضدتوسعه‌ای در میدان مورد مطالعه است، بنابراین پژوهشگران از پژوهش کیفی برای رسیدن به هدف مذکور استفاده کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی از بخش پیشینه پژوهش‌های داخلی می‌توان نتیجه گرفت آنچه باعث درگیری و نزاع در مناطق مختلف می‌شود را می‌توان به سه دسته فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم‌بندی کرد. در بخش اقتصادی آنچه باعث نزاع می‌شوند عبارتند از: محدودیت منابع کمیاب نظیر آب و زمین؛ در بخش فرهنگی: خویشاوندگرایی، مسائل ناموسی، باورهای طایفه‌ای، آداب و رسوم مختلف و در بخش اجتماعی سطح تحصیلات پایین، کمبود سرمایه اجتماعی برون‌گرومی، میران مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن منطقه در افزایش نزاع مؤثر بوده‌اند. همچنین با توجه به تحقیقات انجام‌شده در زمینه نزاع

1 Puppim de oliveira

2 Emanuel and Nadimbwa

3 Yanda

4 Side

5 Mayer & Martinboness

دسته‌جمعی در کشور می‌توان گفت ۱- در اکثر پژوهش‌ها برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، اسنادی و پیمایش (کمی) استفاده شده است. در تحقیقاتی که از روش کمی استفاده شده است، هیچ‌کدام از این تحقیقات اشاره‌ای به خاستگاه نظری متغیرهای تحقیق خود نکرده‌اند. ۲- هیچ‌کدام از مطالعات پیشین به پدیده حقوق مالکیت نپرداخته‌اند. ۳- اکثر پژوهش‌ها به پدیده نزع در یک استان به صورت کلی پرداخته، و به پدیده نزع در یک روستا توجهی نشده است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین این است که این پژوهش به صورت تجربی و کیفی به نزع در یک روستای کوچک پرداخته و از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده برای جمع‌آوری داده‌های خود استفاده کرده است.

مبانی نظری پژوهش

در این قسمت ابتدا تعریفی از مفهوم نسل، سپس نظریات مربوط به نزع بیان می‌شوند. نظریات مربوط به نزع شامل نظریات روان‌شناختی، جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند. پژوهشگران در پژوهش حاضر از نظریه دولارد (ناکامی - ستیزه‌جویی) و بوردیو (میدان و عمل‌واره) که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع نزع پرداخته‌اند، استفاده کرده‌اند.

نسل

کرتزر^۱ مفاهیم و تعابیر مطرح‌شده در حوزه جامعه‌شناسی نسل را به چهار مقوله تقسیم کرده است: ۱. نسل به معنای اصل و اساس نسب خویشاوندی ۲. نسل به معنای افراد هم‌دوره ۳. نسل به معنای مرحله زندگی ۴. نسل به معنای دوره تاریخی (کرتزر، ۱۹۹۳ به نقل از رضوی‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۶-۱۹). در این پژوهش منظور از نسل، مورد دوم و سوم را شامل می‌شود. یعنی افراد هم‌دوره‌ای که در مرحله سنی خاصی از زندگی خود قرار دارند. هم‌دوره بودن باعث شده است که از تجربیات مشترکی برخوردار باشند، تجربیاتی که در مقایسه با نسل‌های دیگر متفاوت است.

بر اساس نظریه‌هایی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در نزع تأثیر دارند می‌توان به نظریات بوردیو و دولارد اشاره کرد. از نظر بوردیو^۲ جامعه مجموعه‌ای از میدان‌های اجتماعی کم‌بیش مستقلی است که مبارزات طبقاتی در آن‌ها جریان دارد. مبنای نظریه میدان‌ها این است که جهان اجتماعی محل نوعی فرایند تفکیک تدریجی است. از نظر بوردیو، تکامل جوامع به ظهور جهان‌ها، حوزه‌ها و میدان‌هایی منجر می‌شود که تقسیم کار اجتماعی تمامی زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد، چراکه به‌واسطه فرایند تفکیک است که کارکردهای مذهبی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و ... از یکدیگر متمایز می‌شوند. از منظر تحلیلی، هر میدان را می‌توان شبکه یا پیکربندی‌ای از روابط عینی میان مواضع تعریف کرد. این مواضع

1 Certzer

2 Bourdieu

به‌طور عینی به‌واسطه موجودیتشان و به‌واسطه تعین‌هایی تعریف می‌شوند که آن‌ها به اشغال‌کنندگانشان، عاملان یا نهادها، به‌واسطه موقعیت بالفعل و بالقوه آن‌ها در ساختار توزیع انواع متفاوت قدرت (با سرمایه) تحمیل می‌کنند. انواعی که تملک بر آن‌ها منافع خاصی را به همراه دارد که در میدان و هم‌زمان، از طریق روابط عینی با سایر مواضع (فراستی، فرودستی، تشابه و...) تبدیل به موضع مبارزه می‌شوند. درواقع، یک میدان را می‌توان نوعی بازار با تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در نظر گرفت. تولیدکنندگان، افرادی با سرمایه‌های خاص، با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند. موضوع این مبارزات انباشت شکلی از سرمایه است که سلطه بر میدان را امکان‌پذیر می‌کند. از این‌رو، سرمایه هم‌زمان هم وسیله است و هم هدف. در این راستا، در زمانی معین از تاریخ، ساختار میدان نشان‌دهنده رابطه زور میان عاملان است. بنابراین، میدان فضای نیروهای متخاصم است (بون‌ویتز، ۱۳۸۹: ۶۶-۷۰).

دولارد^۱ در نظریه ناکامی - ستیزه‌جویی به بحران ناشی از نزاع پرداخته است. از دیدگاه دولارد، تضادهای قومی و نژادی ناشی از رقابت میان گروه‌های مختلف بر سر منابع کمیاب مانند ثروت، قدرت و مقام است. گروهی که در این رقابت و تضاد پیروز می‌شود، گروه غالب و سایر مدعیان گروه‌های اقلیت نامیده می‌شوند. برای اینکه تضادها و نابرابری‌های قومی و نژادی گسترش یابند، سه شرط اساسی باید وجود داشته باشد: ۱- گروه‌های متمایز؛ ۲- رقابت بر سر منابع؛ باید رقابت بین گروه‌ها بر سر منابع باارزش مانند قدرت، ثروت و منزلت وجود داشته باشد؛ ۳- نابرابری قدرت: گروه‌ها از نظر قدرت باید نابرابر باشند، به‌طوری‌که یک گروه بتواند به‌خوبی ادعای خود را در مورد منابع کمیاب با هزینه گروه یا گروه‌های دیگر به اثبات برساند. از دیدگاه تضاد منازعات میان گروه‌های قومی و نژادی درواقع مربوط به تفاوت‌های نژادی و قومی نیست، بلکه استفاده از این تفاوت‌ها برای ایجاد و حفظ نابرابری در امر رقابت برای منابع کمیاب است. بدین‌صورت، هر جا که گروه‌های مختلف برای منابع یکسانی به رقابت می‌پردازند مانند: رقابت سیاه‌وسفید در جنوب آفریقا برای کسب قدرت، رقابت بومیان و مستعمره‌نشینان در برزیل برای تملک سرزمین، رقابت اسرائیلی‌ها و فلسطینیان برای تصرف قطعه یکسانی از قلمرو، خصومت بین گروهی به‌وجود می‌آید؛ به‌ویژه اگر نابرابری گروه‌ها دوام یابد و یکی از آنان بتواند دیگری را استثمار کند و قربانی خود سازد (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

نتیجه‌گیری نظری: تضادهای قومی و نژادی ناشی از رقابت میان گروه‌های مختلف بر سر منابع کمیاب مانند ثروت، قدرت و مقام است. از دیدگاه تضاد منازعات میان گروه‌های قومی و نژادی درواقع مربوط به تفاوت‌های نژادی و قومی نیست، بلکه استفاده از این تفاوت‌ها برای ایجاد و حفظ نابرابری در امر رقابت برای منابع کمیاب است. بدین‌صورت، هر جا که گروه‌های مختلف برای منابع یکسانی به رقابت می‌پردازند، نزاع به‌وجود می‌آید.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از رهیافت کیفی استفاده شد. نگارندگان تکنیک تحلیل موضوعی یا تماتیک را برای تجزیه و تحلیل داده‌های خود مناسب دیدند. تحلیل موضوعی^۱ یا تماتیک (در قالب طبقه‌بندی، شاخص‌بندی و سنخ‌بندی داده‌ها) در تحلیل داده‌های کیفی، از اهمیت زیادی برخوردار است. این نوع تحلیل از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه مردم‌نگاری است که در سایر رهیافت‌های تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶). داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک یا موضوعی شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند. نگارندگان بعد از گرفتن مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی متن آن‌ها به طبقه‌بندی داده‌ها پرداخته تا به یک الگوی مشخصی در داده‌ها دست یابند. برای تحلیل داده‌ها ابتدا به کدگذاری داده‌های خام پرداخته شد و از داده‌های خام مفاهیمی به دست آمد، سپس با کدگذاری مفاهیم، مقولات مهم کشف شدند. بعد از دستیابی به مقولات مهم به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. مقوله‌های اصلی مفاهیم استخراجی از مصاحبه‌ها در این پژوهش شامل ۴ مقوله و ۹۶ مفهوم است.

جدول ۱. فرم داده‌های خام و مفاهیم	
مفاهیم	عبارت حاصل از داده‌های خام
حمایت از طایفه خودی	هنگام نزاع هر کس از طایفه خودش حمایت می‌کند
جدول ۲. فرم مفاهیم و مقوله‌ها	
مقوله	مفاهیم
طایفه‌گرایی	حمایت از طایفه خودی، حل نزاع به نفع طایفه خود، تعصب نسبت به طایفه خود

پژوهشگران در پژوهش حاضر از تکنیک‌های مصاحبه و مشاهده استفاده کرده‌اند. مطالعه تحولات ریشه‌های نزاع در طول زمان می‌طلبد که برای دستیابی به اطلاعات جامع در این زمینه به سراغ افراد سنین مختلف رفته و با آن‌ها مصاحبه کرد. به همین دلیل، پژوهشگران برای دستیابی به این اطلاعات به سراغ افراد مختلف رفته تا با مصاحبه با این افراد به اهداف خود دست یابند. برای این منظور از نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده کرده‌اند. نمونه‌گیری گلوله‌برفی وقتی مطلوب است که یافتن محل اعضای یک جمعیت ویژه دشوار باشد. «گلوله‌برفی» به فرایند جمع‌آوری اطلاق می‌شود، یعنی وقتی یک آزمودنی را یافتید، او آزمودنی‌های دیگر را به شما معرفی می‌کند. از آنجاکه این روش نیز نمونه‌هایی را به دست می‌دهد که از لحاظ معرف بودن مورد سؤال قرار دارند، عمدتاً برای هدف‌های اکتشافی از آن استفاده می‌شود (ببی، ۱۳۹۰: ۱۸). در پژوهش حاضر نگارندگان با دو گروه مصاحبه کرده‌اند. یکی از

گروه‌ها شامل ۶ نفر و گروه دیگر شامل سه نفر بوده‌اند. مصاحبه با این افراد در خانه یکی از افراد سرشناس صورت گرفته است. مصاحبه با گروه ۶ نفره در بعدازظهر و گروه ۳ نفره در شب برگزار شده است. همچنین با ۵ نفر به صورت فردی مصاحبه شد.

جدول ۳. لیست شرکت‌کنندگان در مصاحبه (فردی)

ردیف	جنس	وضعیت تأهل	سن	تحصیلات	شغل
۱	مرد	متاهل	۵۵	ابتدایی	آزاد
۲	مرد	متاهل	۶۵	ابتدایی	بازنشسته سپاه
۳	مرد	متاهل	۷۰	بی‌سواد	کارگر
۴	مرد	متاهل	۷۵	بی‌سواد	سوپرمار
۵	مرد	مجرد	۳۰	دیپلم	مغازه‌دار
۶	مرد	مجرد	۳۲	دیپلم	-

جدول ۴. لیست شرکت‌کنندگان در مصاحبه (گروهی)

ردیف	جنس	وضعیت تأهل	سن	تحصیلات	شغل
۱	مرد	متاهل	۶۳	بی‌سواد	کارگر
۲	مرد	متاهل	۵۶	ابتدایی	بازاری
۳	مرد	متاهل	۶۰	بی‌سواد	بیکار
۴	مرد	متاهل	۵۰	ابتدایی	کارمند
۵	مرد	متاهل	۴۹	ابتدایی	بیکار
۶	مرد	متاهل	۳۶	دیپلم	کارمند
۱	مرد	مجرد	۲۹	دیپلم	آزاد
۲	مرد	متاهل	۳۹	فوق‌لیسانس	دهیار
۳	مرد	مجرد	۲۴	دیپلم	بازاری

جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، روستای امامزاده عبدالله (ع) است که در محدوده سیاسی دهستان هندیجان شرقی و بخش مرکزی شهرستان هندیجان از توابع استان خوزستان واقع شده است. ملاک انتخاب روستا، غالب بودن تعدد نزاع‌های صورت گرفته بوده است، به طوری که در اکثر اوقات آرامش از اهالی به سبب بروز قتل سلب شده و تعدد نزاع‌ها باعث شده است که روستا به پیشرفتی دست پیدا نکند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پدیده نزاع ریشه‌های مختلفی دارد. بر اساس نتایج به دست آمده پژوهشگران ریشه‌های نزاع را به دو دسته عوامل اقتصادی (محدودیت منابع، حقوق مالکیت) و فرهنگی (نادیده گرفتن عرف، طایفه‌گرایی) تقسیم کرده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ریشه‌های نزاع در بخش عوامل اقتصادی و فرهنگی بین سه نسل در طول زمان تغییر کرده‌اند. عوامل اقتصادی ریشه‌ساز نزاع در طول زمان محدودیت منابع و حقوق مالکیت شناسایی شدند. از عوامل فرهنگی، طایفه‌گرایی به عنوان یکی از عوامل ریشه‌ساز نزاع در طول زمان با شدت و ضعف همراه بوده است. نادیده گرفتن عرف در طول سه نسل به عنوان عامل ریشه‌ساز نزاع ثابت بوده است.

محدودیت منابع و نزاع

با بررسی مصاحبه‌های نیمه‌سازمان یافته با افراد و مصاحبه‌های گروهی با نسل‌های مختلف یکی از نکاتی که مهم و قابل ذکر به نظر می‌رسد سیر تغییر و تحولات نسلی است که نزاع بر محدودیت منابع را به وجود آورده است. در این مورد می‌توان از سه نسل سخن گفت^۱. با بررسی نسل اول و دوم آنچه که بین این دو نسل مشترک است و در بحث محدودیت منابع بین افراد و طوایف مختلف زمینه‌ساز نزاع شده است، نزاع بر سر آب چاه و جای کاه خرمن بوده است، زیرا به دلیل نبود آب و استفاده همه افراد از آب چاه به عنوان یک منبع حیاتی، بسیار با ارزش تلقی شده و هرگونه ممانعت از دستیابی به آب زمینه‌ساز نزاع می‌شده است. مصاحبه با کد شماره ۱ و ۲ «طایفه محسن می‌گویند همه زمین‌های روستا مال ماست و کسی حق ندارد برای خودش داخل آن مناطق چاه حفر بکند. هرکجای روستا چاه حفر می‌کردیم بعد از یک یا دو سال طایفه محسن می‌آمدند و می‌گفتند این زمین ماست و شما با چه اجازه‌ای برای خودتان چاه حفر کرده‌اید بروید یک جای دیگر چاه حفر کنید ما هم مجبور می‌شویم دوباره برای خودمان چاه حفر کنیم».

«مصاحبه با کد ۳»

«فصل بهار، فصل برداشت محصول هست هر کس برای خودش یک قسمتی را انتخاب می‌کرد به عنوان جای خرمین خودش بعضی افراد شبانه نشانه و علامت آن‌ها را برمی‌داشتند و یک نشانه و علامت از خودشان می‌گذاشتند بعد دعوا شروع می‌شد که چرا جای خرمین من را گرفتید».

«بعضی افراد بزرگ و مسن نقشه می‌ریختند و جوانان را تحریک می‌کردند که شبانه بروند غله یا خرمین فلان فرد را خراب کنند».

۱. نسل اول افراد ۶۰ ساله به بالا، نسل دوم افراد ۳۰ ساله تا ۶۰ ساله و نسل سوم افراد ۳۰ ساله به پایین را شامل می‌شوند. شغل اکثر افراد نسل اول و دوم کشاورزی، دام‌پروری و ماهیگیری است و اکثر افراد نسل سوم به کارهای خدماتی و در کنار آن به کشاورزی می‌پردازند.

در نسل سوم به دلیل وقوع انقلاب اسلامی و دستیابی روستا به آب لوله‌کشی از اهمیت نزاع بر سر آب چاه کاسته شده است. هم‌اکنون در روستا نزاع بر سر آب چاه وجود ندارد. در نسل سوم آنچه که زمینه‌ساز نزاع می‌شود انتخاب پیمان‌کار برای چاه نفت است. در کنار نزاع بر سر انتخاب پیمان‌کار برای چاه نفت می‌توان به نزاع بر سر زمین نیز اشاره کرد.

استخراج‌شده از مصاحبه گروهی «درسته که چاه نفت تو زمین طایفه من نیست اما باید سهم آن به همه مردم روستا برسد درست نیست که فقط یک طایفه از آن استفاده بکند و همه کارگران را از طایفه خودشان انتخاب کنند ما هم سهمی در روستا داریم».

استخراج‌شده از مصاحبه گروهی «طایفه عباس قنبر می‌گویند ما زمینمان کم هست و جمعیمان زیاد. باید به ما زمین بدهید. از طایفه محسن می‌خواهند که به آن‌ها زمین بدهند. طایفه محسن هم زمین‌هایشان را به کسی نمی‌دهند».

در نسل اول و دوم به دلیل کم‌بودن جمعیت و قانع بودن (راضی بودن به امرامعاش روزانه و رفع نیازهای اساسی) مردم و عدم زیاده‌طلبی و ساده‌زیستی نسبت به نسل سوم، نزاع بر سر زمین (اراضی کشاورزی) کمتر بوده است. هم‌اکنون در نسل سوم با افزایش جمعیت و سودخواهی، ثروت بیشتر، منفعت‌طلبی، فردگرایی و بالا رفتن انتظارات نسل جوان و تشکیل زندگی آبرومندانه و مقایسه زندگی خود با دیگران به خصوص با رفت‌وآمد به شهر و استفاده بیشتر از رسانه‌های مختلف امکان مقایسه برای افراد فراهم شده و افراد به زندگی ساده راضی نمی‌شوند. نسل سوم بر خلاف دو نسل قبل برای تشکیل زندگی از نو و صفر شروع کردن را قبول ندارند و به دنبال درآمد اقتصادی بسیار بالایی برای تشکیل زندگی خود هستند که دستیابی به زمین کشاورزی بیشتر یکی از عوامل زمینه‌ساز وقوع نزاع در نسل سوم شده است. درواقع می‌توان گفت دستیابی به مادیات برای نسل حاضر به یک ارزش تبدیل شده است که نسل حاضر به نزاع بر سر آن می‌پردازند.

حقوق مالکیت و نزاع

در میان نسل اول نزاع بر سر حقوق مالکیت وجود نداشته است به دلیل اینکه افراد به صورت طایفه‌ای به کشت می‌پرداخته‌اند و همه افراد طایفه با توافق و مشارکت همدیگر نوع محصولی را که برای کشت انتخاب کرده بودند جمع‌آوری کرده و با همکاری همدیگر به کاشت و داشت و برداشت پرداخته درواقع به صورت مشاع به کشت اقدام می‌کردند به همین دلیل نزاع بر سر حقوق مالکیت به وجود

۱. اهالی روستای امام‌زاده عبدالله (ع) حقوق مالکیت را چنین تعریف می‌کنند: حق مالکیتی که مردم به واسطه احیا کردن اراضی موات بر آن اراضی دارند. اهالی معتقد هستند زمانی که وارد روستا شده‌اند اراضی موات بوده و هیچ کشتی بر این اراضی صورت نگرفته و خود این اراضی موات را احیا کرده، به همین سبب حق مالکیت بی‌چون‌وچرا بر آن دارند و حاضر به تقسیم زمین‌ها و همچنین واگذار کردن آن‌ها به منابع طبیعی نیستند.

نمی‌آمده است. می‌توان گفت افراد نسل اول کشت به‌صورت مشاع را برای خود برگزیده و با مسئله حقوق مالکیت مواجه نشده‌اند زیرا هیچ تمایلی به گرفتن زمین‌های طوایف دیگر نداشته‌اند. مصاحبه با کد ۳ و ۴ «ما قدیم به‌صورت مشاع کشت می‌کردیم. طوایف متخلف با همدیگه کشت می‌کردند هر طایفه‌ای با کمک همدیگه وسایل کشت رو مهیا می‌کردند و در قسمت‌های مختلف کاشت و داشت و برداشت با همدیگه همکاری می‌کردیم و اصلاً نزاعی به‌وجود نمی‌آمد».

همچنین دولت در روستا حضور نداشته است که برای گرفتن اراضی اقدامی داشته باشد که نزاع بر سر آن به‌وجود آید. افراد همان زمینی را که داشته‌اند برای خود مناسب دانسته و انسجام و اتحادی بین این نسل وجود داشته است. انسجام و اتحاد را نیز باید نتیجه جمعیت اندک و حضور و اهمیت کدخدا تا قبل از اصلاحات ارضی در روستا دانست. حضور کدخدا و اهمیت نقش ریش‌سفیدان باعث می‌شد که همه افراد به حرف آن‌ها گوش دهند و به‌دلیل ترس از کدخدا اقدامی جدی برای گرفتن اراضی دیگران نداشته باشند. همچنین آنچه در انسجام و اتحاد نسل اول اهمیت داشته است احساس نیازی است که افراد برای گذراندن زندگی خود به دیگران داشته‌اند. نزاع بر سر حقوق مالکیت به‌عنوان یک پدیده مشترک بین نسل دوم و سوم شناخته شده است که این پدیده دارای شدت و ضعف بین دو نسل است. در نسل دوم بحث اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی بین افراد کشت به‌صورت طایفه‌ای را تا حدودی از بین برده^۱ و فردگرایی را رواج داده است. استخراج‌شده از مصاحبه گروهی «داخل سند نوشته مشاع اما هرکس برای خودش کشت می‌کند».

در میان نسل دوم و سوم به‌دلیل مشخص نبودن جهت‌های جغرافیایی اراضی، نزاع بر سر حقوق مالکیت افزایش یافته است. استخراج‌شده از مصاحبه‌های گروهی:

«دولت مشاع را پذیرفته است. داخل سندها مشاع نوشته شده است. تقسیم را انجام نداده است. نگفته تو سندت ۸ هکتار است و ۸ هکتار خود را بگیر و حق نداری این سمت و آن سمت شوی. من الان داخل سندمان ۸ هکتار نوشته شده است اما بر اساس زمین پدریمان ۲۴ هکتار کشت می‌کنم. در روستا یکی ۲۰ هکتار دارد یکی ۲ هکتار و یکی اصلاً زمین ندارد. دولت گفته شریکی بکاری و کسی که زمین ندارد را هم زمین بدهید آن‌ها هم این کار را نمی‌کنند. دولت آمده سند داده و بعد گفته خودتان بروید زمین‌ها را تقسیم بکنید. افراد الان می‌خواهند فردی کشت کنند به خاطر همین جهت‌های جغرافیایی افراد اصلاً مشخص نیست».

محدودیت منابع و بروز فردگرایی در بهره‌برداری از منابع در نسل سوم نیز به‌شدت ادامه یافته تاجایی که هر فرد به دنبال منافع خود است و هیچ تمایلی به مشارکت و کشت به‌صورت مشاع با افراد دیگر حتی طایفه خود ندارد. در این مورد می‌توان ضعف مشارکت را به‌صورت بارزی دید. یکی از عواملی که باعث شده است مشارکت کمتر شود «عدم احساس نیاز به یکدیگر» است. انسجام و

۱. برخی از طوایف نسل دوم بعد از اصلاحات ارضی کشت به‌صورت مشاع را برای خود پذیرفته‌اند.

ارتباطات طایفه‌ای که در نسل اول، افراد را به مشارکت و همکاری با یکدیگر سوق می‌دهد است در نسل سوم کم‌رنگ شده و افراد تمایلی به مشارکت در این زمینه ندارند. ضمناً باید این نکته را اضافه کرد که بی‌سوادی و کم‌سوادی نسل اول باعث شده است افراد از قوانین اطلاعی نداشته و اگر کسی در پی ضایع کردن حق آن‌ها بوده است^۱ به دلیل عدم دسترسی به مرکز شهر، تلاشی برای دستیابی به حق خود نکنند. در مقایسه با این نسل، نسل سوم با افزایش سطح تحصیلات و آگاهی بیشتر از قوانین و مقررات در پی گرفتن حق و حقوق خود هستند و کوچک‌ترین اختلاف پیش‌آمده را با شکایت به دادگاه و پیگیری قانونی دنبال می‌کنند. در صورتی که در نسل اول به دلیل سختی و مشکلات ناشی از شکایت به پاسگاه این سختی را به خود نمی‌دادند و پیگیر حق و حقوق خود نمی‌شدند. البته باید این نکته را اضافه کرد که در نسل اول آنچه که برای پاسگاه مهم بوده است حرف ریش‌سفیدان بوده است. پاسگاه حرف ریش‌سفیدان را در مواقع بروز مشکلات مهم دانسته و به حرف سایر افراد توجهی نمی‌کرده‌اند. در صورتی که هم‌اکنون افراد مختلف با شکایت به دادگاه به درخواست آن‌ها رسیدگی می‌شود به همین دلیل افراد انگیزه بیشتری برای شکایت به دادگاه و گرفتن حق و حقوق خود دارند.

مصاحبه با کد ۲ «قدیم پاسگاه فقط به حرف ریش‌سفید گوش می‌داد. حرف بقیه اهالی برایش اهمیتی نداشت». استخراج شده از مصاحبه گروهی «من می‌تونم برم دادگاه و حقمو بگیرم نمی‌گذارم کسی حقمو بخورد».

وقتی که بین مردم و منابع طبیعی بر سر حقوق مالکیت نزاع وجود داشته باشد هیچ ارگانی تمایلی به سرمایه‌گذاری در روستا ندارد و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری باعث عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت روستا شده است. با بررسی سه نسل ذکر این نکته مهم است از زمانی که حضور دولت (اصلاحات ارضی و منابع طبیعی) در روستا زیاد شده است، نزاع بر سر حقوق مالکیت به خصوص در میان نسل دوم (حضور اصلاحات ارضی) و نسل سوم (منابع طبیعی) تشدید شده است. در حالی که قبل از آن نزاع بر سر حقوق مالکیت وجود نداشته است و همکاری و مشارکت مردم بیشتر بوده است. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد از زمانی که منابع طبیعی با ادعای ملی بودن اراضی، سعی در گرفتن اراضی از مردم داشته است نزاع بر سر حقوق مالکیت افزایش یافته و مردم با ادعای احیا کردن اراضی، خود را مالک اراضی دانسته و هیچ حقی برای منابع طبیعی قائل نیستند.

۳. مثال بارز آن گرفتن اراضی کشاورزی افراد توسط منابع طبیعی

عوامل فرهنگی

از جمله عوامل فرهنگی ریشه‌ساز نزاع در طول زمان می‌توان به طایفه‌گرایی و نادیده گرفتن عرف اشاره کرد.

نادیده گرفتن عرف و نزاع

از آنجاکه شغل اکثر مردم روستا از دیرباز کشاورزی بوده، زمین به‌عنوان منبع اصلی درآمد برای افراد شناخته می‌شود. تمام اراضی کشاورزی در کنار یکدیگر در شمال روستا واقع شده‌اند. اهالی برای تعیین حد و حدود (مرز) همدیگر فاصله‌ای به‌اندازه یک متر را مشخص کرده‌اند که کسی حق تعرض به این منطقه را ندارد این قسمت به‌دلیل اهمیت در روستا، بین اهالی و عرف محل با نام طلا شناخته می‌شود. اما اکثر اوقات دیده می‌شود که برخی از افراد برای سودجویی و به‌دست آوردن منافع بیشتر هنگام کاشت محصول با تراکتور و در قدیم با خیش با بی‌توجهی به عرف محل، به از بین بردن علامت و نشانه زمین خود و زمین فرد کناری اقدام می‌کنند و نه تنها در منطقه طلا بلکه با تعرض به زمین دیگران در زمین دیگری نیز کشت می‌کنند و به حریم دیگران توجهی نمی‌کنند. به‌هرحال، زمین برای هر فرد حتی به‌اندازه یک متر ارزشمند است و هرگونه بی‌توجهی به رویه‌ها و رفتارهای عرفی نهادینه‌شده و قراردادهای اجتماعی مرسوم و تعرض به حریم را نوعی از بین بردن حق و حقوق خود می‌داند و همین مسئله عاملی برای نزاع و به‌وجود آمدن مشکلات در روستا می‌شود.

مصاحبه با کد ۱ «برای اینکه سهم هر کس مشخص باشد در محدوده زمین افراد یک قسمت را به‌عنوان طلا نام‌گذاری کرده‌ایم که کسی حق ندارد از آن محدوده تعرض بکند و وارد زمین دیگری شود و در آن منطقه چیزی بکارد اما برخی از افراد شبانه می‌آیند و حدود را به هم می‌زنند. بنابراین همیشه بر سر این مسئله که چرا حدود محل را از بین بردید دعوا و درگیری هست». استخراج‌شده از مصاحبه گروهی «می‌دانید دلیل اختلافات دیگه چیه؟ همین دعوا روی زمین کشاورزی باعث می‌شود که ما همیشه دعوا داشته باشیم و اختلاف به‌وجود بیاید. همیشه روی تعیین حدود زمین و خراب کردن طلا دعوا است».

باتوجه به بررسی‌های صورت گرفته در بین سه نسل، نادیده گرفتن عرف به عنوان یک پدیده مشترک در بین سه نسل شناخته شده است. البته ذکر این نکته مهم است که نادیده گرفتن عرف در بین سه نسل دارای شدت و ضعف است. از قدیم (نسل اول) به‌دلیل نزدیک بودن اراضی کشاورزی برای ایجاد نظم و عدم درگیری یک قسمت را به‌عنوان مرز بین اراضی مشخص کرده این امر در نسل دوم ادامه داشته است، ولی برخی افراد با بی‌توجهی به عرف، نظم روستا را به هم زده و باعث درگیری بین افراد می‌شده‌اند. می‌توان چنین بیان کرد: از یک سو، قانع نبودن افراد و تلاش برای دستیابی به منافع بیشتر، عدم برابری فرصت‌ها و منابع و از سوی دیگر برای آزار و اذیت رساندن، به حدود دیگران تعرض

می‌کنند. جوامع دگرگونی‌های شدیدی را تجربه می‌کنند. بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای قدیم از بین می‌روند و هنجارها و ارزش‌های جدید جایگزین آن‌ها می‌شوند. در جامعه‌ی مورد مطالعه نادیده گرفتن عرف به‌عنوان یک مسئله در بین سه نسل شناخته شده است. هرچه به سال‌های اخیر نزدیک می‌شویم بی‌توجهی به عرف بیشتر خود را نشان می‌دهد. فوت اکثر ریش‌سفیدان و عدم اطلاع جوانان نسل سوم از حدود اراضی پدران خود و بی‌توجهی به قانون و اسناد و عرف محل، باعث افزایش نزاع‌ها شده است.

طایفه‌گرایی و نزاع

طایفه‌گرایی گرایشی است که فرد به ارزش‌های طایفه‌ی خود نشان می‌دهد و وابستگی شدیدی به طایفه‌ی خود دارد. این نظام ارزشی و رفتار باعث می‌شود که به پیش‌داوری و قضاوت ارزش‌های طوایف دیگر برآید. طایفه‌گرایی و ازدواج درون‌گروهی در نسل اول و دوم یکی از علل اصلی درگیری و خشونت بین اهالی بوده است. میان نسل اول ازدواج‌ها به‌صورت کاملاً درون‌گروهی بوده و طوایف مختلف اجازه‌ی ازدواج با فردی به غیر از طایفه‌ی خود را نداشته‌اند. اگر کسی تمایل به ازدواج با طایفه‌ی دیگری را داشت با ممانعت از سوی بزرگان طایفه مواجه می‌شد. مصاحبه با کد ۱، ۲، ۳ و ۴ «قدیم رسم نبود که به غریبه دختر بدهند و اگر پسری بخواهد از یک طایفه‌ی دیگر زن بگیرد مخالفت می‌کنند». «قدیم بچه که هنوز کوچک بود تعیین می‌کردند که دختر فلان فرد برای پسر فلان فرد از طایفه‌ی خودشان باشد و حتماً دختر باید با پسر دایی یا عمه یا عموی خودش ازدواج می‌کرد و اصلاً اجازه نمی‌دادند با فردی خارج از خانواده‌ی خودش ازدواج کند»، «چند سال پیش یکی از افراد طایفه‌ی ما (درویش‌علی) به دختر را از طایفه‌ی محسن می‌خواست با اینکه پدر و مادر هر دو طرف راضی بودند اما یکی از بزرگان طایفه‌ی محسن مخالفت کرد و نگذاشت پسری از طایفه‌ی آن‌ها از یک طایفه‌ی دیگر زن بگیرد همین مسائل باعث می‌شد که کینه به‌وجود بیاید و رفت‌وآمد کم بشود».

این ممانعت باعث نزاع و بعضاً کینه و کدورت بین افراد می‌شد. نسل اول هنگام انتخاب همسر و ادامه‌ی مسیر زندگی امر بزرگان خانواده را مرجح پنداشته و ریش‌سفیدان طایفه‌ی خود را صاحب قدرت در تمامی ابعاد زندگی خانواده و رفتارهای فرزندان می‌دانستند. عاملی که قدرت ریش‌سفید را مشروعیت می‌بخشید، پایداری و تداوم ارزش‌ها و آداب و رسوم سنتی روستا بود. ارزش‌هایی همچون احترام به بزرگان به‌ویژه پدر و بزرگان طایفه، مطیع تصمیم طایفه و خانواده بودن در بیشتر امور زندگی، این مسئله نشان از بی‌قدرتی و ضعف زنان و جوانان در مقابل قدرت پدران در زندگی است. جوانان در مقابل اجتماع، احساس بی‌قدرتی می‌کردند و توانایی ایجاد تغییر ارزش‌های سنتی مغایر با ارزش‌های خود نداشته‌اند و هنگام ازدواج با فردی که بزرگ و ریش‌سفید تعیین کرده بود، ازدواج می‌کردند. افراد نسل اول در تصمیم‌گیری‌ها به‌صورت مستقل عمل نمی‌کردند. زندگی آن‌ها وابسته به نظر بزرگان و

ریش سفیدان طایفه خود بوده است و همواره وابسته به تصمیمات افراد دیگر بوده‌اند. گاهی اوقات به‌رغم فشارهای روحی، توان ایستادگی در برابر تصمیمات بزرگان و ریش سفیدان را نداشته‌اند. وفاداری به گروه خودی، پیامدهایی به همراه داشت از جمله آن‌ها می‌توان به تنزل ارزش‌های گروه‌های دیگر نزد افراد خودی اشاره کرد. معاشرت‌های درون‌گروهی در نسل اول و دوم باعث پیش‌داوری نسبت به برون‌گروه‌ها می‌شد و از جمله پیامدهای آن رشد کینه‌توزی در بین طوایف بوده است.

از دیگر پیامدهای ازدواج درون‌گروهی در روستا و بین اهالی عدم ارتباط سازنده و مفید بین اهالی به دلیل برتر دانستن طایفه خود به‌زعم افراد نسل اول و دوم بوده است. قبل از اصلاحات ارضی به دلیل اینکه کدخدا از اهالی یک طایفه بوده است آن طایفه خود را برتر دانسته و در امر ازدواج برای اینکه طایفه خود را برتر و قوی نشان دهند و برای انسجام بیشتر در طایفه خود، مخالفت سرسختی با ازدواج‌های برون‌گروهی نشان می‌دادند. ازدواج‌های درون‌گروهی پیامدهای دیگری به همراه داشت که از آن جمله می‌توان به: نبود روابط «مایی» اشاره کرد. نبود روابط مایی بی‌تفاوتی نسبت به همدیگر و کاهش صمیمیت را به‌وجود می‌آورد، در نتیجه این عوامل ضعف مشارکت به‌وجود می‌آمد. ضعف مشارکت باعث می‌شد در مواقع بروز مشکل و نزاع همکاری و همیاری بین افراد به‌وجود نیاید، بلکه ضعف مشارکت و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بر شدت نزاع‌ها بی‌افزاید. با این حال، با بررسی نسل سوم شاهد تغییراتی در ازدواج جوانان روستا هستیم. ظهور مدرنیته و سرمایه‌داری و از بین رفتن ارزش‌های سنتی، جوانان دیگر پایبند رسم و رسومات ریش سفیدان خود نیستند، خود را برتر از ریش سفیدان می‌دانند، اهمیتی برای ریش سفیدان قائل نیستند، خود را مقید به ازدواج با افرادی که بزرگان معرفی می‌کنند نمی‌دانند و تمایل بیشتری به ازدواج‌های برون‌گروهی از خود نشان می‌دهند.

مصاحبه با کد شماره ۲۰۴ «الان دیگر کوچکی و بزرگی وجود ندارد. قبلاً اگر حرفی می‌زدی بهت احترام می‌گذاشتند. ریش سفیدی الان تا قدیم زمین تا آسمون با همدیگر فرق دارد». در واقع وابستگی افراد به تصمیمات خانواده کم شده است.

نسل سوم مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی را فرا گرفته‌اند که با ارزش‌های پدر و مادرشان متفاوت است. پدران و مادران باتوجه به وابستگی اجتماعی و اقتصادی که به فرزندان خود دارند به تغییرات آن‌ها گردن می‌نهند. ارزش‌های متفاوت نسل سوم باعث مهاجرت تعداد زیادی از جوانان از روستا شده است. همچنین باید این نکته را اضافه کرد که هرچند ازدواج برون‌گروهی و مهاجرت در بین افراد نسل سوم در مقایسه با نسل اول افزایش یافته است، اما هنوز تعصب و حمایت همه‌جانبه افراد از طایفه خود در مواقع بروز مشکلات به شدت ادامه دارد. نسل سوم در مواقع بروز نزاع و درگیری هرچند حق با طایفه آن‌ها نباشد، خود را ملزم به حمایت از طایفه خود می‌دانند. تلاش برای حفظ آبرو

در میان نسل سوم هنوز ادامه دارد. افراد هنگامی که احساس کنند که حیثیت طایفه آن‌ها در خطر است، به پشتیبانی از طایفه خود برمی‌خیزند.

آنچه باعث می‌شود که افراد نسل سوم باوجود ازدواج برون‌گروهی و مهاجرت از روستا در مواقع بروز نزاع به روستا برگشته و همه‌جانبه از طایفه خود حمایت کنند، حس تعلق خاطر به طایفه و قوم‌و خویشان است. هر شخص از طریق محیط اجتماعی که متعلق به آن است و می‌تواند به آن رجوع کند، هویت خود را نشان می‌دهد. افراد نسل سوم به دلیل نبود انجمن‌های زادگاهی و نهادهای مدنی در شهر و کسانی که بتوانند خلأ ناشی از تنهایی خود را جبران کنند، نزد افراد طایفه خود برمی‌گردند. درواقع افراد برای شناسایی هویت خود از نام طایفه خود استفاده می‌کنند، زیرا مکانی که فرد در آن رشد و نمو یافته است هویت و شخصیت او را تشکیل می‌دهد. وابستگی شخصیتی‌ای که افراد به طایفه خود دارند، باعث می‌شود که حتی باوجود مهاجرت و ازدواج برون‌گروهی در مواقع بروز نزاع حس وابستگی به طایفه زنده شده و به حمایت برخیزند. افراد معتقد هستند که با برگشت به روستا و حمایت از طایفه، یک نوع همدلی و اتحادی بین اعضای طایفه خودی به وجود می‌آید که باعث می‌شود در مواقع گرفتاری احساس تنهایی نکنند. گرچه اتحاد بین اعضای طایفه باعث حمایت اجتماعی و شادکامی اعضای طایفه می‌شود، اما از طرف دیگر، نوعی عدم تمایل به طوایف دیگر را به وجود می‌آورد که آفت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی شده است. گرچه طایفه‌گرایی و ازدواج درون‌گروهی در نسل سوم نسبت به نسل اول و دوم کاهش یافته است، ولی هنوز شاهد تعصب و طایفه‌گرایی در میان نسل سوم هستیم. می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که تعصب و طایفه‌گرایی در میان سه نسل باعث کاهش ارتباط و تعامل سازنده بین طوایف مختلف شده است و تعصب و طایفه‌گرایی به گروه خودی باعث دامنه‌دار شدن نزاع‌ها در روستا شده است.

نتیجه‌گیری

پدیده نزاع و درگیری موجب از بین رفتن آرامش و امنیت هر جامعه‌ای می‌شود. در پژوهش حاضر هدف اصلی نگارندگان مطالعه ریشه‌یابی نزاع بین چند نسل است. نگارندگان در پی اهداف خود به این نتایج رسیدند که همراه با تغییر نسلی، ریشه‌های نزاع نیز در منطقه مورد مطالعه با تغییراتی همراه بوده است. در بُعد اقتصادی می‌توان نتیجه گرفت نبود یک تعریف دقیق و روشن از حقوق مالکیت در نسل سوم نسبت به نسل اول باعث شده است که افراد اطلاعات پراکنده درباره ویژگی اقتصادی و اجتماعی

۱. نگارنده با این موضوع مواجه شده است در یکی از نزاع‌های رخ داده بین اهالی شاهد بازگشت افراد نسل سوم به حمایت همه‌جانبه این افراد از طایفه خود بوده است. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که خویشاوندانی که قبل از وقوع نزاع، روابط نزدیک و ارتباط چندانی با همدیگر نداشته‌اند، با وقوع نزاع از طریق ارتباط تلفنی به افراد طایفه خود برای شرکت در نزاع خبر داده‌اند.

یک دارایی داشته باشند. درحالی که اگر یک تعریف واضح از حقوق مالکیت افراد وجود داشته باشد و این اطلاعات به آسانی در دسترس افراد قرار بگیرد، شاهد کاهش نزاع خواهیم بود. حقوق مالکیت مخدوش باعث کاهش سرمایه اجتماعی می شود. کاهش سرمایه اجتماعی باعث شده بین طوایف در مواقع بروز مشکلات همدلی و تفاهم به وجود نیاید و عدم همدلی افراد باعث رشد کینه توزی در روستا شود. همچنین آنچه بین نسل های مختلف کاهش پیدا کرده است تغییر ارزش ها و آرمان ها و سبک زندگی افراد و از بین رفتن بزرگی و ریش سفیدی است. نسل سوم به ارزش ها و آرمان های نسل اول اهمیت چندانی نمی دهند. درحالی که با آموزش هنجارها به افراد و درونی کردن آن ها می توانیم از بروز نزاع در اجتماع کاست.

پژوهش حاضر در قیاس با پژوهش های پیشین دارای شباهت ها و تفاوت هایی بوده است. در پژوهش های پیشین، اختلافات گذشته، تعصب، رقابت و برتری گروهی، قوم گرایی، تحصیلات پایین، وجود طوایف مختلف، احساس تعلق به یک گروه خاص، محرومیت نسبی و بی هنجاری و کاهش سرمایه اجتماعی برون گروهی به عنوان ریشه های نزاع شناخته شده که پژوهش حاضر بر این عوامل صحنه گذاشته است. حقوق مالکیت و حقوق عرفی به عنوان یکی از ریشه های اصلی نزاع در این پژوهش به دست آمده است. همچنین هیچ کدام از پژوهش های پیشین ریشه های نزاع بین چند نسل را مورد بررسی قرار نداده اند. یافته های تحقیق بر نظریه ناکامی-ستیزه جویی دولارد و میدان و عمل واره بوردیو نیز صحنه گذاشته است.

تلاش برای کاهش نزاع و آسیب های آن ساده نیست و نیازمند آموزش های اجتماعی است. البته باید این نکته را افزود که آموزش به تنهایی کافی نیست و باید این آموزش در زندگی مردم نمود پیدا کند تا به نتیجه دلخواه کاهش نزاع و آسیب های اجتماعی دست یافت. از جمله راهکارهای نگارندگان برای حل نزاع می توان به این موارد اشاره کرد: ۱. ایجاد مراکز مشاوره و حل اختلاف ۲. ایجاد مراکز مددکاری اجتماعی جهت آموزش به افراد محلی؛ ۳. حضور تسهیلگران اجتماعی در محل و آموزش به مردم محلی برای احترام به قانون و نقش آفرینی بیشتر و نهادینه کردن راهبردهای قانونی برای احقاق حق؛ ۴. برگزاری جلسات مشترک بین ریش سفیدان و جوانان جهت رفع مسائل و مشکلات فراروی روستا؛ ۵. اطلاع رسانی ریش سفیدان و بزرگان در جلسات و میهمانی ها به ویژه به قشر جوان در این خصوص که نزاع (دسته جمعی) چه نتایج و آسیب های قانونی، روانی و جسمی می تواند داشته باشد.

منابع

- احسانی، بهمن و حسینی‌پور، سعید (۱۳۹۰). بررسی نقش خرده‌فرهنگ‌ها در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز و نزاع‌های دسته‌جمعی، نقش طوایف در پیشگیری نزاع دسته‌جمعی (مجموعه مقالات همایش ملی). تهران، انتشارات زیتون سبز، چاپ اول
- بی، ارل، مترجم، فاضل، رضا (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم، جلد اول
- بون‌ویتز، پاتریس (۱۳۸۹). درس‌هایی از جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو. مترجم: جهانگیر جهانگیری و حسن پورسفر، تهران، نشر آگه، صص ۶۶-۷۰
- پورافکاری، نصرالله (۱۳۸۳). نزاع‌های جمعی محلی. مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، صص ۳۷۳-۳۸۶
- جسورخواجه، تقی (۱۳۸۸). ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- حسین‌زاده، علی‌حسین و عبدالرضا، نوح و علی، عنبری (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی (مورد مطالعه شهر اهواز). فصل‌نامه دانش‌انظامی، سال سیزدهم، دوره دوم، صص ۱۹۱-۲۲۵
- حسین‌نژاد، بیژن و عزیزی، هاشم (۱۳۹۰). بررسی علل نزاع و درگیری در شهرستان اردبیل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، نقش طوایف در پیشگیری نزاع دسته‌جمعی (مجموعه مقالات همایش ملی). انتشارات زیتون سبز، چاپ اول
- حیدری، محمد و اسلام‌پناه، نورعلی و لشکری، علمدار (۱۳۸۶). عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه و بویراحمد. فصل‌نامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۵۰۰-۴۸۹.
- خبرگزاری فارس (۱۳۹۴). وبگاه خبرگزاری فارس.
- دادگاه شهرستان هندیجان (۱۳۹۵). آمار دادگاه شهرستان هندیجان. دادگاه شهرستان هندیجان.
- رضائی کلواری، نورالله و بحرینی، مجید (۱۳۸۹). مطالعه رابطه‌ی عوامل فرهنگی، اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان. فصل‌نامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۳۶-۱۶۲
- رضوی‌زاده، نورالدین (۱۳۸۳). تفاوت‌های نسلی در روستاهای ایران. فصل‌نامه روستا و توسعه، صص ۱۹-۴۶
- شریعتی، مسعود و مهاجری، محمدکاظم (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده. فصل‌نامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۹۵-۱۱۸
- صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران. ناشر: مجمع تشخیص مصلحت نظام- مرکز تحقیقات استراتژیک، صص ۱۰۲-۱۰۵

- صدرائی نژاد، محمد و افشار، زینب (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر درگیری‌های دسته‌جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد، نقش طوایف در پیشگیری نزاع دسته‌جمعی (مجموعه مقالات همایش ملی). تهران، انتشارات زیتون سبز، چاپ اول
- عشایری، طاها (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی روستایی (روستای پریخان، مشکین‌شهر، آذربایجان شرقی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- علیزاده، کاظم و مهدوی‌نصر، حمید (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی در استان لرستان، نقش طوایف در پیشگیری نزاع دسته‌جمعی (مجموعه مقالات همایش ملی). تهران، انتشارات زیتون سبز، چاپ اول
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). ضد روش منطقی و طرح در روش‌شناسی کیفی. تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، جلد اول، ص ۶۶
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۰). تحلیلی جامعه‌شناختی بر سیر دگرگونی در نقش معتمدین در پیشگیری و مهار نزاع‌های جمعی در ایران، نقش طوایف در پیشگیری نزاع دسته‌جمعی (مجموعه مقالات همایش ملی). تهران، انتشارات زیتون سبز، چاپ اول
- میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه (۱۳۹۱). گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد. فصل‌نامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۴۱-۷۳

Emanuel, maria & Ndimbwa, tumpe(2013), **Traditional Mechanisms of Resolving Conflicts over Land Resource: A Case of Gorowa Community in Northern Tanzania**, International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences November, 3(11)

Mayer, claude-hélène&martinboness,christian(1995), **culture and conflict in urban,tanzania: professionals' voices ineducational organisations**.

Puppim de Oliveira, Jose Antonio(2007), **Property rights, land conflicts and deforestation in the Eastern Amazon**, University of Santiago de Compostela, Spain, Forest Policy and Economics 10, 303-315

Side, Katherine(2014), **Canada,Re-assessing rural conflict: Rituals,symbols and Commemorations in the Moyle District, Northern Ireland**, Journal of Rural and community development, Memorial University,9(4).102-127

Yanda, Benjamin C,(2007), **A Political Ecology of Land Use Change and Natural Resource Conflict in the Rukwa valley, Southwestern Tanzania**, Department of Geography, August 2